

● عملکرد

دیالوگ

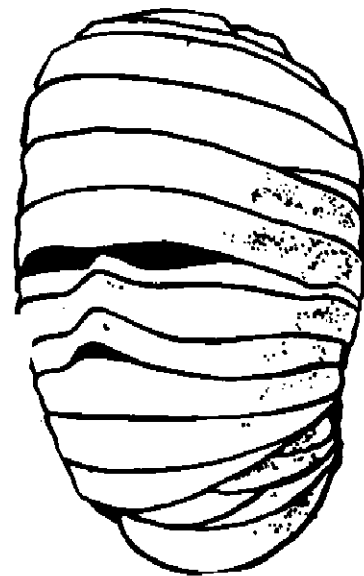
در سینما

دیالوگ در سینما، باید مثل

اندیشیدن، زبان و موقعیت‌های

فردی باشد

فرامرز ویسی



مرد: توهیح چیز در هیروشیما ندیدی.
زن: من همه چیز دیدم. همه چیز را.

از دیالوگ‌های فیلم هیروشیما، عشق من

التر، آلی رنه

نار و هوید فیلم را تصویر تشکیل می‌دهد، و مهم‌ترین چیزی که با تصویر هم‌بستگی تنگاتنگ دارد، دیالوگ است، که با تکنیک‌های تصویر، در فیلم، هم‌سو عمل می‌کند، و گاه، توأمان، بیان‌کننده احساسات و تفکرات مشترکی، بین سینماگر و تماشاچی می‌شود.

در یک سینمای سالم، تصویر و دیالوگ، برهم تأثیر می‌گذارند و در لحظاتی خاص، بازتاب نشانه‌های هم‌دیگر، در یک ترکیب‌بندی مشخص هستند. بنابراین، دیالوگ سینمایی باید با فردگی و ایجاز هنری هم‌سرشت باشد و تابع قواعد و ادبیات سینمایی عمل کند.

اگر قرار باشد گفتار فیلم، مثل حرف زدن‌های روزمره، به کار برده شود، که دیگر واجد شرایط هنر سینما نیست. چرا که گفتارها، در سینما، باید توافقی را برای تعبیر و تفاسیر تصویری تشکیل دهند، تا با پرداخت سینمایی آن، بتوان به قانون شناخت زندگی، از دید این هنر دست یافت.

به کاربردن بد دیالوگ، منجر به از میان برداشتن آن توازن می‌گردد که به ساختار فیلم و فضای مربوط بدان و اندیش‌وارگی آن، لطمه قابل توجهی می‌زند که در آثار سینماگران معروف جهان، ایده‌آلی شکوه‌مند، از رویکرد ساختاری زندگی انسان، در تک دیالوگ‌های خاصی با تصویر، بیان می‌شود و گاه آن چنان در ضمیر انسان جا می‌گیرد که همیشه با یادآوری آن، تصویر نیز، در ذهن تداعی می‌گردد. این می‌رساند که دیالوگ و تصویر، به‌موقع خود، و در پرداخت مناسب، بنیاد ساختاری هنری را تشکیل می‌دهد که در تنگناها، بیان‌کننده شرایط عملکردی هم‌دیگرند.

دیالوگ در سینما، باید مثل اندیشیدن، زبان و بیان موقعیت‌های فردی و اجتماعی باشد، که در ترکیبی سمبولیک، به حفظ و بیان زندگی بپردازد، تا در قلمرو هنری خود، موجب تکانه‌های شدید ذهنی گردد و تماشاگر را با کاربرد زبانی دیگر آشنا سازد، که نوعی زبان سینمایی است که دستورزبان و واکنش‌های عاطفی خاص خود را دارد و با زبان روزمره،

بسیار متفاوت است. زبان روزمره، شاید فقط بیان‌کننده حالات ذهنی و عاطفی یک‌نفر باشد. اما در سینما، دیالوگ سینمایی باید بیان‌کننده نشانه‌ها، فضا، حالات، رنگ، موضوع، عواطف همگانی، و واقعیات ذهنی و عینی گسترده‌تری باشد.

در آثار سینماگران برجسته‌ای مثل، بوئنل، آنتونیونی، برگمان، تارکوفسکی، هیچکاک، رنه، فلیسی، گذار، و همانندشان... هر دیالوگ به کاربردده، متناسب بافضای تصویر شده عمل می‌کند، آن هم برای بیان جزئی‌ترین واکنش عاطفی و ذهنی، و عمق حالات روانی شخصیت‌های فیلم، که با هوشیاری خاص سینمایی پرداخت می‌شود. برای این سینماگران، ساخت و پرداخت دیالوگ آن قدر مهم است، که در هیچکدام از فیلم‌های خودشان، آن را به گونه‌ی تکراری به کار نمی‌برند. و هر فیلمی که می‌سازند، هم زبان تصویری و هم کاربرد زبانی آن فیلم به معنای دیالوگ، مترقیانه‌تر عمل می‌کند، که آنرا در بافتی نو و بکر خلق می‌کنند.

زبانی که بهرام بیضایی، در آثار سینمایی‌اش به کار می‌برد و ما به صورت دیالوگ با آن برخورد می‌کنیم، دو شکل و کاربرد هنری دارد: اول، زبانی برای تصویر کردن شخصیت و موقعیت اجتماعی و فردی اوست. و دوم، زبانی رازآمیز و شعرگونه برای مطرح کردن و تشریح انگیزه‌ها و دریافت‌های حسی و ذهنی از زوایای زندگی، توأم با تجزیه و تحلیل مسائل خاص مورد نظر می‌باشد، که در پروسه سینمای بیضایی عمل می‌کند.

پس، برای مفاهیم مهم‌تر، باید زبانی با ساختاری محکم و تصویری، برای انتقال نشانه‌ها به کار گرفت. و چه خوب می‌شد اگر دیالوگ در فیلم، مثل واژه‌ها در شعر، تکامل می‌یافتند و اشکال گوناگونی را تجربه می‌کردند تا دیالوگ هنری نیز، بار شاعرانگی خویش را، به گونه چند سویی، حفظ می‌کرد و کاربردهای ویژه و متنوعی می‌یافت.

آمیخته‌های هم‌زمانی تصویر و دیالوگ، قابل تعمیم با سایر اصوات است، با موسیقی و افه‌های صوتی. آن چنان که می‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای، مفاهیم کلام را دگرگون کنند. کلام در سینما نیز، موقعیت خود را می‌پذیرد و عملکرد آن دلالت بر وضعیتی دارد که در برابر او قرار می‌گیرد. نتیجه می‌گیریم که، دیالوگ را فقط برای شخصیت نمی‌نویسند، بلکه برای مکان، فضا، نور، ریتم و هرآنچه را که بر او تأثیر، و او بر آنها تأثیر می‌نهد، به کار می‌گیرند.

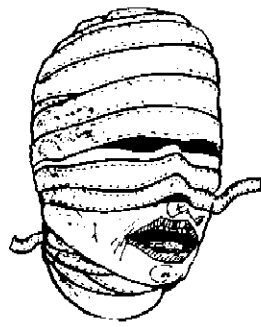
پس، در صورتی دیالوگ یکی از بارزترین ابزار سینمایی برای یک سینماگر است، که بتواند آنرا با زبان و تصویر سینمایی، هم سو کند، یعنی، نه آن را با نمایش های دیگر از قبیل تئاتر نزدیک کند، و نه بی رویه و پوشالی به کار برد. بهترین نمونه، دیالوگ های فوق العاده فیلم هیرودشما، عشق من، اثر آلن رنه فرانسوی است. که عمل کرد دیالوگ در آن، برداشت و تجسم بخش صحنه های درخشان فیلم است. و از لحاظ تصویری، ترسیم کننده یکی از وحشتناک ترین ظلم هایی است که در تاریخ بشر روی داده است.

سینماگر، علاوه بر آنکه باید بداند چگونه با کلمات روبرو، و آنها را در ژانر سینمایی به کار گیرد، بل باید آنها را با عوامل دیگری نیز، هم سو کند، تا مکمل عمل کند و نه از هم گسیخته تا دیالوگ، وحدت بخش عوامل دیگر بشود و نوعی استعاره سینمایی گردد. که به قول پیرپائولو پارولینی: هیچ چیز قادر به مقاومت در مقابل نیروی وحدت بخش استعاره نیست؛ زیرا هرآنچه در فکر بشر می گنجد قابل مقایسه و سنخ با چیز دیگری است.

عجین شدن خلق استعاره در دیالوگ، دلالت بر آفرینش مفاهیم نو و متفاوت، از تصاویر متفاوت می شود. چرا که در بی آیند این همسازی، به کشف تصاویر ملموس می انجامد. برای مثال، در فیلم ماجرا، اثر میکال آنجلو آنتونیونی، نماد بیگانگی و تنهایی انسان، با هم سوئی تصویر و کلام شکل می گیرد. که گاه ساده و گاه پیچیده بیان می شود.

بار شاعرانگی دیالوگ در فیلم ها، نه در گفتاری توصیفی، که کنش مابین تصویر و کلام را بوجود می آورد، و انتقال دهنده حسن شاعرانه نمایشی است، که با کیفیتی منطبق بر فضای مورد نظر، عمل کرد خاص خود را به انجام می رساند. مثل بعضی فیلم های علی حاتمی، که کلامش شاعرانه و نمایشی نوشته می شود. و کاملاً تمایز فاحشی با حرف زدن روزمره دارد. چرا که، زیرکی خاصی در دیالوگ ها موج می زند.

ریم دیالوگ در سینما باید آن قدر شکیل و سینمایی باشد که کارگردان برای باوراندن آن، به تماشاچی، اختیاری و ظرفانه عمل کند. مثل کوزینتسف و لارنس اولیویه، که حتی دیالوگ های ادبی نمایشنامه های شکسپیر را نثری می کنند، بعد با به کاربردن ضرباتنگ نوعی موسیقی خاص، در ارتباط با الگوهای تصویری قرار می دهند، و سرانجام، فضائی سینمایی برای کنش و کنش دیالوگ ها می آفرینند.



یک کارگردان صاحب سبک، از دیالوگ، برای ترسیم کردن داستان خود استفاده نمی کند، بل از آن، برای هرچه بهتر به تعلیق کشاندن تصویر و حرکت، در ژانرهای گوناگون سینمایی استفاده می کند. و کاربرد زیبایی شناسی خاصی بدان می دهد. همان طور که، کاربرد زیبایی شناسانه دیالوگ در فیلم های استاد سینما آلفرد هیچکاک، در لحظه های بسیار حساس، به صورت نوعی ظریف کاری - صوتی یا تصویری - درمی آید، که عنصر اصلی حالت و فضا را در حرکت نمایشی صحنه معین می کند و به بار تعلیق موضوع مورد نظر فیلم افزوده می کند. مثل فیلم ربه کاه، که واژه ربه کاه، هم نقطه اصلی فضای فیلم را تشکیل می دهد، و هم بر کلیت فیلم سایه افکنده، که با کلام و تصاویر ملموس، به این سرنوشت ترازیک می پردازد. استادی هیچکاک، در خلق ساختار لحظه های هیجان انگیزی است، که دیالوگ در پیوند صحنه ها - چه به صورت راز گونه و یا واقع گرایانه - فیلم را جورانه و گیرا می کند.

یکی از ویژگی های به کاربردن دیالوگ در سینمای اورسن ولز، بدین صورت است که چندین صدا را که هر کدام جمله ای یا بخشی از جمله ای را ادا می کردند، و توأم با نمای درشت از چندین شخص، به هم پیوند می داد. از مجموع اینها، تأثیری که پدید می آمد مانند این بود که یک شهر تمام در حال حرف زدن هستند.

عملکرد دیالوگ در فیلم های لوئیس بونوئل، و چیزی که او از آن آموخته، دادن یک حالت کامل تر و قابل فهم تر و بنابراین نیرومندتر و هنری تر به طغیان جاودانی خودش می باشد، که از بسیاری جهات، موازی با ارائه تصاویر مناسب، واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهند. و در نظر بونوئل، شعر گونه گی تصویر و راز آمیزی دیالوگ، برابر با چیزی است که واقعیت ملموس را کامل می کند و شناخت انسان را درباره اشیا و افراد و نوع برخورد آنها را با هم، افزایش می دهد... جهان شگفت انگیز ناشناخته ها را می گشاید.

در سینما، تناسب و ارتباط ایستا و پویا را میان دو دنیای درونی و برونی از شیوه های دراماتیکی می توان تحصیل کرد. به ویژه با استفاده از دیالوگ، و بدین جهت خطوط داستانه ای مشخص و مفید با اتکاء از عواملی ابداع گردیده است. چرا که هنرمند حافظ تعادل جهان درون و برون است.

در بسیاری از فیلم هایی که شاهکار سینمایی هستند، بسیاری از عوامل مهم آشنا چون ارتباط ها و کشمکش های معمول در خط داستان، به عهده دیالوگ است. و بازیگران، دکور، پس زمینه ها، نورپردازی و حرکات دوربین در رابطه با یکدیگر، نقشی اساسی در بیان دیالوگ ها دارند. و دیالوگ ها در نماهای بلند، به کمک تصویر، به زمینه سازی تحول یک رویداد می پردازند. نمونه این مسئله، کارهای ماکس افولس است، که در فیلم هایش، از حرکت دوربین، حالات و حرکات بازیگر، که برای یکی کردن رویدادها استفاده می کند، یعنی از طریق بخش ها و حرکات موجود در دیالوگ ها سود می برد، و دوربین را با گفتگو و حرکت به شیوه های گوناگونی مربوط می سازد. و در فیلم گرفتار، ماکس افولس، دیالوگی به کار می برد، که وقتی گفته می شود، منطبق بر شرایط تصویری قرار می گیرد و هویت و موقعیت زن را با استعاره ای تا حدی بدیهی، نشان می دهد. زن و مرد - رابرت رایان، باربارابل - قرار گذاشته اند هم دیگر را ببینند، وقتی هم دیگر را می بینند، زن به طرف اتوموبیل می رود، که در زاویه متفاوتی قرار گرفته، و می گوید من آستن هستم. درست بعد از ادای این جمله، افولس به نمایی از زن که از میان ترد بان قرار گرفته شده، برش می کند. که نمادی از اسارت زن است.

آنت مایکلسون می گوید: هنرما در برابر نمایی متضاد از نظر ترکیب بندی، جهت حرکت، لحن و آهنگ و شدت و ضعف نورپردازی قرار می گیرد و به پیدایش یک مفهوم جدید ختم می شود. در یک فیلم خوب، همین کار را در برابر تصویر، دیالوگ هم می کند. یعنی دیالوگ گفته می شود، و تصویر نشان داده شده، در خلق مفاهیم جدید می کوشد.

پس، دیالوگ نیز، مانند تصویر، نقطه اتصالی برای هرچه بیشتر متبلور کردن حس دراماتیکی است، که به خلق فضاهای هرچه مناسب تر کمک می کند.

رودلف آرنهیم در رابطه با کاربرد تصویر و کلام می گوید: درهم آمیختن تصویر و کلام، بهترین راه برای شرکت هرچه بیشتر تماشاگر در

غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، احمد محمود و... چنان که می‌دانیم از برخی آثار این نویسندگان در عرصه سینما استفاده و اقتباس‌هایی نیز شده و چند تن از آن‌ها نیز به طور مستقیم برای سینما، فیلم‌نامه‌هایی پدید آورده‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها غلامحسین ساعدی و هوشنگ گلشیری می‌باشند.

تردیدی نیست که این بخش، آن چنان که باید و شاید حق مطلب را در باب پیشینه داستان روشن نمی‌سازد، زیرا، قصد تنها مروری اجمالی بود تا درک ساختمان داستان با پیش ذهنیتی میسر گردد. چرا که این مقاله قصد پرداختن به سینما را دارد و نمی‌خواهد به تفصیل به ادبیات داستانی بپردازد. □

پانویس

- ۱- داستان و نقد داستان - احمد گلشیری - جلال‌نخست - تهران، ۶۸ - ص ۲۵
- ۲- عنصر تکرار شونده
- ۳- داستان و نقد داستان - احمد گلشیری، ص ۱۵ و ۱۶
- ۴- همان، ص ۱۹

● عکاسی تئاتر

بقیه از صفحه ۱۳۴

و سکونی که در تئاتر وجود دارد، به نمایش گذارده می‌شود.

پس باید تصدیق کرد که عکاسی بیانگر مقاصد و الهامات اصلی فعالیت‌های تئاتری است، به خصوص در مورد آنچه به ضبط تأثیرات و کنترل آنها مربوط می‌شود. با بازیگر و کارگردان است که بتوانند قسمتی از این لرزه‌های متوالی اما خفیف را که در عکس‌های صحنه‌ای در حال اجرا وجود دارند، فراهم کنند. آنچه از مدت‌ها قبل به اهمیت آن پی برده شده، هرچند با تأخیر، ضایع نکردن اصل آرشیهایی است که قبلاً تهیه شده است. به لطف عکاسی، فهرستی تاریخی از فرم‌های متفاوت، دستور چگونگی حرکات دست و بازو، آثارنمایشی ملل مختلف و تغییر شکل‌های تاریخی آنها تنظیم نموده که برای محافظت از آنها مکانی در نظر گرفته شده است. خلاصه آنکه، در عکاسی تئاتر آنچه برای تغذیه پروژه‌ای عظیم در هنر و مؤسسات هنری لازم است، وجود دارد.

● دیالوگ در...

بقیه از صفحه ۸۹

ماجراهای هیجان‌انگیز یک فیلم است، چرا که حوادث با تصویر نشان داده می‌شود، و افکار و مقاصد و احساسات شخصیت‌ها با گفتار بیان می‌گردد. به علاوه استفاده از صدای انسان و سروصداهای دیگر درک حضور حوادث را به میزان زیاد تشدید می‌کند. تماشاگر تنها وقتی اعتراض دارد که گفتگوها آن قدر کم باشد که حوادث را به قدر کافی تشریح نکند، و یا برعکس، حادثه بسیار کم و گفتگوها طولانی و خسته کننده باشد.

نتیجه می‌گیریم که دیالوگ رابطه‌ای ارگانیکی با کل ساختار فیلم دارد، که باید با ترکیب اصیل تصویری موزایی شود، اگرچه پاره‌ای از اوقات، و شاید در بسیاری از فیلم‌ها، به قیمت تداخل و ایجاد مزاحمت در درک مفاهیم تصویری منجر می‌شود. □

● جنسواره تئاتر

بقیه از صفحه ۱۱۵

نقش، ارتباط با محیط و فضای نمایش و توان تجربی در ارائه شخصیت.

همچنین در بخش بازیگری هیئت داوران با اهدای دیپلم افتخار به خانم فرشته انصاری بازیگر نمایش «فاجعه‌ای با موهای ترد قهوه‌ای»، از زاهدان و دیدار رزاقی بازیگر نمایش «بی تو مهتاب شبی»، از شیراز و همینطور به آقای کاظم همایی بازیگر نمایش «فرمان خاتون»، از همدان، قدردانی کرد.

○ طراح صحنه برگزیده

هیئت داوران در این بخش تنها به طراح نمایش «شادر آتش» از مشهد به دلیل در خدمت بودن عوامل و عناصر طراحی شده در صحنه که در روند مفاهیم و ارائه لحظات مختلف قرار می‌گیرد، دیپلم افتخار اهداء نمود در این بخش هیئت داوران طراحی صحنه برگزیده ندارد.

○ بهترین نمایش به مفهوم مطلق

هیئت داوران در میان آثار ارائه شده در بخش مسابقه جشنواره، نمایش «معرکه در معرکه را بخاطر: نمایشنامه‌ای با دیالوگهای روان و استفاده از فرهنگ عامیانه مخصوص این نوع سنت‌ها و کارگردانی برای طراحی صحنه و میزانش و ریتم و بازیهای روان و...» با اهدای تندیس زرین جشنواره و دیپلم افتخار و ۵۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه نقدی، به عنوان بهترین نمایش به مفهوم مطلق برگزید.

○ هیئت داوران در بخشهای طراحی لباس، بهترین موسیقی زنده، بهترین موسیقی انتخابی و طراحی گریم برای اهداء جایزه انتخابی نداشت...